

بررسی ارتباط بین توانایی مدیریت بر ریسک و اجتناب از مالیات

علی باغانی^۱

سید مظاهر موسوی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط بین توانایی مدیریت بر ریسک و اجتناب از مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر بانک ها و موسسات مالی و اعتباری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در طی بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲ فعالیت داشته اند. نمونه آماری بر اساس معیارهای غربالگری شده تعداد ۱۸۰ شرکت می باشد این پژوهش بر اساس ماهیت و اهداف پژوهش از نوع پژوهشهای کاربردی می باشد. برای آزمون فرضیه های از الگوی رگرسیون چند متغیره و نرم افزار ایویوز نسخه ۱۳ استفاده شد. سپس برای آزمون کردن از رگرسیون خطی آزمون فرضیه ها انجام شد. نتایج نشان داد که توانایی مدیریت باعث افزایش ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی بلند مدت می شود. مدیران توانا بهتر می توانند تصمیمات تجاری خود را با استراتژی های مالیاتی منطبق سازند و به راحتی می توانند با توجه به درک بالایی که از محیط عملیاتی شرکت دارند از فرصت های ایجاد شده برای برنامه ریزی مالیاتی در جهت بالابردن بازدهی شرکت استفاده کنند.

واژگان کلیدی

مدیریت، توانایی مدیریت، ریسک، اجتناب از مالیات

۱- استاد حسابداری گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکترا حسابداری گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در دنیای اقتصادی و مالی، شرکت‌ها با مجموعه‌ای از چالش‌ها و ریسک‌های مختلف روبه‌رو هستند که همواره نیاز به مدیریت کارآمد و هوشمندانه دارند. یکی از این چالش‌ها، ریسک مالیاتی است که بر شرکت‌ها تأثیرهای گسترده‌ای می‌گذارد. با توجه به اهمیت حاکمیت شرکتی و اهمیت اطلاعات مالی، اکثر مدیران شرکت‌ها، همواره در تلاش‌اند تا به اجتناب مالیاتی در بلندمدت بپردازند (سراگی و علی^۱، ۲۰۲۳). شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز انتقال اطلاعات مالی و تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری، تحت تأثیر مستقیم توانایی مدیریتی قرار دارند (آقایی و همکاران، ۱۳۹۷). این پژوهش، به‌منظور بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی بلندمدت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. در این پژوهش، توانایی مدیریتی به‌عنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد که می‌تواند از طریق تصمیم‌گیری‌های مالی، حسابداری و سایر رویکردهای مدیریتی بر روی ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی بلندمدت شرکت‌ها تأثیرگذار باشد. این پژوهش، به‌عنوان یک نگاه عمیق‌تر به نقش توانایی مدیریتی در کاهش بدهی مالیاتی و افزایش عملکرد مالی شرکت‌ها، به محققان، مدیران شرکت‌ها و سایر علاقه‌مندان در حوزه مالی و حسابداری کمک خواهد نمود. از این رو پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی به این سؤال اصلی است که آیا بین توانایی مدیریت بر ریسک و اجتناب از مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد؟

مبانی نظری

اجتناب از مالیات

اجتناب از مالیات یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکستن خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است. در ادبیات حسابداری، اجتناب مالیاتی از دو بعد گسترده و محدود تعریف شده است. در بعد گسترده، اجتناب مالیاتی به‌صورت «کاهش آشکار مالیات به‌ازای هر ریال سود حسابداری قبل از مالیات» تعریف می‌گردد. طبق این تعریف تمام معاملاتی که بر بدهی مالیاتی آشکار شرکت اثر می‌گذارند در زمره اجتناب مالیاتی قرار می‌گیرند و بین فعالیت‌های واقعی با مطلوبیت مالیاتی، فعالیت‌های اجتنابی که به‌منظور کاهش مالیات انجام می‌شوند و لابی‌هایی که برای کسب مزایای مالیاتی انجام می‌شوند، تفاوتی قائل نمی‌شود. در بعد محدود، تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی ریشه در قانونی بودن اقدامات مودیان دارد (هانگ و ژانگ^۲، ۲۰۲۰).

ریسک مالیات

ریسک مالیات شرکتی به‌عنوان انحراف استاندارد سه‌ساله از تفاوت‌های دفتری مالیاتی اندازه‌گیری می‌شود. به‌طور کلی، این مفهوم به اختلالات و نقض‌هایی اشاره دارد که در ارتباط با موضوع مالیاتی یک شرکت بروز می‌کنند. تفاوت‌های دفتری مالیاتی به میزان تفاوت میان مقادیر مالیاتی دفتری شرکت و مقادیر مالیاتی محاسبه شده بر اساس قوانین و مقررات مالیاتی می‌انجامد. بدین ترتیب، ریسک مالیات شرکتی را اندازه‌گیری می‌کند که چقدر تفاوت‌های مالیاتی دفتری شرکت در بازه سه‌ساله نسبت به نرم‌افزارها و قوانین مالیاتی کشور یا ناحیه جغرافیایی که شرکت فعالیت می‌کند، از حالت معمول و استاندارد پیش‌بینی شده‌اند. این میزان انحراف از تفاوت‌های مالیاتی معمولی می‌تواند به شرکت‌ها انگیزه‌ها و انگیزش‌هایی برای مطالعه و بررسی دقیق‌تر موارد مالیاتی خود بدهد تا از نقض‌ها و تخلفات محتمل مالیاتی پیشگیری کنند و از نتایج منفی حاصل از تعدیلات و جریمه‌های مالیاتی جلوگیری نمایند (سراگی و همکاران، ۲۰۲۳).

¹ Saragih and Ali

² Huang and Zhang

توانایی مدیریت

توانایی، یک توان و خصلتی باثبات و وسیع را مصور می‌سازد که شخص را به دستیابی و نهایت عملکرد در مشاغل فیزیکی و فکری مقید می‌کند. توانایی خصیصه‌ای عام و گسترده است و می‌توان آن را خارج از مرزهای سازمان بسط داد. در ادبیات مدیریت دسته‌بندی‌های گوناگونی از توانایی‌های مدیریتی ارائه شده است. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که محققان هرم عملکرد عالی مدیران را با الهام‌گیری از ورزشکاران حرفه‌ای، مستلزم توسعه توانمندی‌ها در ابعاد اساسی انسان در چهار دسته اساسی توانایی‌های فکری - ذهنی، فیزیکی - جسمی، روحی - روانی و عاطفی - احساسی معرفی می‌کنند (فرهی بوزنجانی، ۱۳۸۴).

مروری بر پیشینه پژوهش

یادگاری و همکاران (۱۴۰۲). تأثیر کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین توانایی مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد مطالعه قرار دادند. بر این اساس به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، نمونه‌ای متشکل از ۱۴۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۰ انتخاب کردند. یافته‌های پژوهش نشان داد توانایی مدیریت بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معناداری دارد، یعنی افزایش توانایی مدیریت، افزایش کارایی سرمایه‌گذاری به دنبال دارد؛ علاوه بر این، نتایج بیانگر این است که کیفیت کنترل داخلی رابطه بین توانایی مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری را تقویت می‌کند.

یوسف‌زاده و همکاران (۱۴۰۱). اثرگذاری توانایی مدیریت بر رابطه بین عدم اطمینان محیطی و اجتناب مالیاتی را مورد بررسی قرار دادند. در همین راستا نمونه‌ای مشتمل بر ۱۳۰ شرکت پذیرفته در بورس اوراق بهادار طی بازه زمانی ۱۳۹۳ - ۱۳۹۹ انتخاب و آزمون شده است. نتایج آزمون‌ها حاکی از آن بود که توانایی مدیریتی بر رابطه بین عدم اطمینان محیطی و اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر تعدیلی ندارد. نتایج پژوهش نیز نشان داد که در مواجهه با محیط‌های بی‌ثبات، مدیران توانمندتر با افق دید بلندمدت، تصمیمات بلندمدت بهتری می‌گیرند و استراتژی‌های بهتری را برای سازگاری با محیط اتخاذ می‌کنند. پس فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات کمتری دارند.

سراگی و علی (۲۰۲۳). تأثیر توانایی مدیریتی بر ریسک مالیات شرکت و اجتناب مالیاتی بلندمدت: شواهد تجربی از یک کشور درحال توسعه را مورد مطالعه قرار دادند. این مطالعه با استفاده از روش کمی با مدل‌های رگرسیون، با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ انجام شده است. نتایج رگرسیون گزارش می‌دهد که توانایی مدیریتی بر ریسک مالیاتی تأثیر منفی می‌گذارد و بر اجتناب مالیاتی بلندمدت تأثیر مثبت می‌گذارد. شرکت‌هایی که مدیران توانمندتری دارند، ریسک مالیاتی نسبتاً کمتری دارند و در بلندمدت اجتناب مالیاتی بیشتری دارند. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌هایی با مدیرانی که توانایی‌های بیشتری دارند، متعهدتر به اجتناب از مالیات بلندمدت هستند درحالی که به طور هم‌زمان سطح پایین‌تری از ریسک مالیاتی خود را حفظ می‌کنند.

کوبی و همکاران^۳ (۲۰۲۳). تأثیر همه‌گیری ویروس کرونا بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها: شواهدی از شرکت‌های S&P 500 را مورد مطالعه قرار دادند. این مطالعه از مجموعه داده‌های تابلویی شرکت‌های سهامی عام ایالات متحده که در شاخص استاندارد و پور ۵۰۰ فهرست شده‌اند، استفاده کرد. بر اساس اطلاعات موجود در پایگاه داده DATASTREAM که دوره ۲۰۱۹-۲۰۲۱ را پوشش می‌دهد، از سه پروکسی برای اجتناب مالیاتی استفاده کردند، یعنی نرخ مالیات موثر فعلی، نرخ مالیات موثر نقدی و تفاوت دفتری مالیات. نتایج نشان داد که شیوع کرونا ویروس تأثیر مثبتی بر نرخ موثر مالیات سال جاری دارد. همچنین تأثیر منفی بر تفاوت دفتری مالیات داشته است که به طور کلی نشان دهنده کاهش نرخ مالیات موثر نقدی در دوره پس از همه‌گیری است.

عارف و همکاران^۴ (۲۰۲۳). بحران مالی و اجتناب مالیاتی: اثر تعدیل کننده همه گیری ویروس کرونا را بررسی کرده اند. نمونه ایشان، شامل ۳۸۹۵۸ مشاهدات سالانه شرکت از ۳۲ کشور در دوره ۲۰۱۵-۲۰۲۰ است. بحران مالی با استفاده از مدل آلتمن (۱۹۶۸) اندازه گیری شد، در حالی که اجتناب مالیاتی بر اساس تفاوت دفتری مالیاتی است. نتایج نشان داد شرکت هایی که از نظر مالی دچار مشکل هستند، اجتناب مالیاتی پایینی را قبل و در طول دوره های همه گیری ویروس کرونا نشان می دهند. نویسندگان اجتناب مالیاتی بیشتری را در طول همه گیری در مقایسه با دوره قبل از همه گیری پیدا کردند، اما همه گیری رابطه منفی بین پریشانی مالی و اجتناب مالیاتی را افزایش می دهد.

فرضیه های پژوهش

توانایی مدیریت بر ریسک مالیات تأثیر معناداری دارد.

توانایی مدیریت بر اجتناب از مالیات تأثیر معناداری دارد.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع تجربی در حوزه تحقیقات توصیفی، رگرسیونی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت های مالی شرکت هاست. از سویی دیگر این تحقیق از لحاظ روش، علی پس از وقوع است. این تحقیق از نظر هدف نیز کاربردی است. گردآوری اطلاعات مورد نیاز یکی از مراحل اساسی در تحقیق است که اگر دقت لازم در خصوص صحت اطلاعات گردآوری شده صورت نگیرد، نتایج حاصل از تحقیق نیز مورد تردید خواهد بود. در تحقیق حاضر، به منظور گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای استفاده خواهد گردید. بدین گونه که اطلاعات مورد نیاز جهت ادبیات تحقیق و مبانی نظری آن از طریق کتاب ها، مجلات، مقالات معتبر، پایان نامه ها و اطلاعات و داده های آماری مورد نیاز از طریق منابع سازمان بورس اوراق بهادار تهران، داده های شرکت های منتخب با مراجعه به صورت های مالی و یادداشت های توضیحی، گردآوری خواهد گردید. روش گردآوری، جمع آوری اسناد و مدارک با استفاده از مطالعات کتابخانه ای و سایت سازمان بورس است. ابزار تحقیق، گزارش های مالی حسابرسی شده شرکت های مورد تحقیق و گزارش های آماری بورس اوراق بهادار تهران است و از منابع زیر داده های لازم استخراج می گردند:

۱. اطلاعات موجود در سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران و گزارش های مالی شرکت ها.

۲. استفاده از بانک های اطلاعاتی جهت استخراج داده های تحقیق مانند رهاورد نوین^۳

مدل و متغیرهای پژوهش

به پیروی از مطالعه کوستر و همکاران^۵ در سال ۲۰۱۶، هوانگ و همکاران در سال ۲۰۱۷ و سراگی و همکاران در سال ۲۰۲۳ از مدل رگرسیونی شماره ۱ و ۲ برای آزمون فرضیه اول و دوم استفاده خواهد شد.

مدل رگرسیونی شماره یک

$$CTR_{it} = \beta_0 + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 BTM_{it} + \beta_3 CE_{it} + \beta_4 DER_{it} + \beta_5 EPS_{it} + \beta_6 FAGE_{it} + \beta_7 FSIZE_{it} + \beta_8 OCF_{it} + \beta_9 PPE_{it} + \beta_{10} SALES_{it} + \varepsilon_{it}$$

ریسک مالیاتی CTR

توانایی مدیران MA

ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار سهام BTM

وجه نقد تقسیم بر دارایی ها CE

⁴ Ariff

⁵ Koester

نسبت بدهی به دارایی‌ها	DER
نسبت سود هر سهم بر قیمت سهم	EPS
لگاریتم فاصله بین سال تأسیس شرکت تا سال موردنظر	FAGE
لگاریتم دارایی‌ها	FSIZE
جریان نقد عملیاتی بر دارایی‌ها	OCF
اموال ماشین‌آلات و تجهیزات بر دارایی‌ها	PPE
نسبت درآمد عملیاتی (فروش) بر دارایی‌ها	SALES

مدل رگرسیونی شماره دوم

$$CLRTA_{i,t-1,t+1} = \beta_0 + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 BTM_{it} + \beta_3 CE_{it} + \beta_4 DER_{it} + \beta_5 EPS_{it} + \beta_6 FAGE_{it} + \beta_7 FSIZE_{it} + \beta_8 OCF_{it} + \beta_9 PPE_{it} + \beta_{10} SALES_{it} + \varepsilon_{it}$$

اجتناب مالیاتی بلندمدت	CLRTA
توانایی مدیران	MA
ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار سهام	BTM
وجه نقد تقسیم بر دارایی‌ها	CE
نسبت بدهی به دارایی‌ها	DER
نسبت سود هر سهم بر قیمت سهم	EPS
لگاریتم فاصله بین سال تأسیس شرکت تا سال موردنظر	FAGE
لگاریتم دارایی‌ها	FSIZE
جریان نقد عملیاتی بر دارایی‌ها	OCF
اموال ماشین‌آلات و تجهیزات بر دارایی‌ها	PPE
نسبت درآمد عملیاتی (فروش) بر دارایی‌ها	SALES

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول شماره ۲- آمار توصیفی متغیرهای فرضیه‌های پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
ریسک مالیاتی	۰,۰۶۳	۰,۰۴۷	۰,۳۲۵	۰,۰۰۱	۰,۰۵۶	۱,۶۳۴	۵,۸۸۵
اجتناب مالیاتی	۰,۳۴۹	۰,۲۷۰	۱,۹۸۶	-۰,۷۴۶	۰,۳۷۳	۰,۸۹۵	۴,۳۵۱
توانایی مدیران	-۰,۰۰۱	-۰,۰۰۴	۰,۵۰۶	-۰,۴۱۹	۰,۱۲۷	۰,۰۷۳	۳,۶۰۳
نسبت ارزش دفتری به بازار	۰,۳۰۸	۰,۲۳۸	۱,۶۶۴	-۰,۸۷۶	۰,۲۷۶	۱,۱۷۴	۶,۳۴۶
وجه نقد	۰,۰۴۹	۰,۰۳۴	۰,۵۹۹	۰,۰۰۲	۰,۰۵۴	۳,۲۳۵	۲۲,۴۸۱
نسبت بدهی	۰,۵۰۳	۰,۴۹۹	۱,۳۴۲	۰,۰۱۳	۰,۲۲۴	۰,۲۵۳	۳,۱۷۵
نسبت سود هر سهم	۰,۰۸۶	۰,۰۷۲	۰,۸۰۱	-۰,۴۶۱	۰,۱۰۱	۰,۳۲۴	۹,۷۱۷
سال تأسیس	۲,۹۵۷	۲,۹۹۵	۳,۹۸۸	۱,۰۹۸	۰,۴۴۶	-۰,۵۸۶	۴,۳۹۰

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
لگاریتم دارایی ها	۱۵,۴۲۹	۱۵,۱۲۰	۲۱,۳۲۷	۱۱,۳۶۱	۱,۶۸۹	۰,۷۵۷	۳,۶۲۲
جریان نقد عملیاتی	۰,۱۲۶	۰,۱۰۰	۰,۷۲۶	-۰,۳۸۴	۰,۱۴۷	۰,۵۴۲	۳,۸۸۰
اموال، ماشین آلات و تجهیزات	۰,۲۴۶	۰,۲۰۴	۰,۹۳۲	۰,۰۰۵	۰,۱۸۸	۰,۹۱۱	۳,۳۴۷
نسبت درآمد عملیاتی	۱,۰۱۵	۰,۸۰۶	۶,۶۷۸	۰,۰۱۱	۰,۷۹۵	۲,۵۹۳	۱۲,۷۴۷

اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. برای مثال مقدار میانگین برای جریان وجه نقد عملیاتی برابر با (۱/۱۱۹) می باشد که نشان می دهد بیشتر داده ها حول این نقطه تمرکز یافته اند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن ها نسبت به میانگین است. از مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر در آمار توصیفی کلی، برای لگاریتم دارایی ها برابر با ۱,۷۵۴ و برای ریسک مالیاتی برابر است با ۰,۰۵۷ می باشد که نشان می دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند. چولگی معیاری از تقارن یا عدم تقارن تابع توزیع می باشد. برای یک توزیع کاملاً متقارن چولگی صفر و برای یک توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر بالاتر چولگی مثبت و برای توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر کوچکتر چولگی منفی است. بطور کلی چنانچه چولگی متغیر در بازه ۰,۵+ و ۰,۵- باشد؛ این متغیر به توزیع نرمال نزدیک است. در بین متغیرهای پژوهش فقط متغیرهای توانایی مدیریت، نسبت بدهی و نسبت سود هر سهم در این بازه قرار دارد و به توزیع نرمال نزدیک است. کشیدگی یا kurtosis نشان دهنده ارتفاع یک توزیع است. بطور کلی اگر کشیدگی متغیری برابر با عدد ۳ باشد این متغیر به توزیع نرمال نزدیک خواهد بود. در بین متغیرهای پژوهش فقط متغیر سال تأسیس و اموال، ماشین آلات و تجهیزات به لحاظ کشیدگی تقریباً برابر با ۳ می باشد.

آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه اول پژوهش: توانایی مدیریت بر ریسک مالیات تأثیر معناداری دارد.

جدول ۳: رگرسیون مدل فرضیه ی اول پژوهش

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
توانایی مدیریت	۰,۰۳۹	۰,۰۱۳	۲,۹۷۴	۰,۰۰۳
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام	-۰,۰۲۶	۰,۰۰۱	-۱۸۷,۲۷۵	۰,۰۰۰
وجه نقد	-۰,۰۲۲	۰,۰۰۵	-۳,۷۴۸	۰,۰۰۲
نسبت بدهی	-۰,۰۹۳	۰,۰۰۶	-۱۴,۶۳۲	۰,۰۰۰
نسبت سود هر سهم	۰,۰۴۹	۰,۰۱۰	۴,۹۰۴	۰,۰۰۰
سال تأسیس	۰,۰۷۵	۰,۰۱۴	۵,۰۷۳	۰,۰۰۰
لگاریتم دارایی ها	۰,۰۰۲	۰,۰۰۱	۱,۱۳۲	۰,۲۵۸
جریان نقد عملیاتی	۰,۰۲۷	۰,۰۰۵	۴,۸۸۰	۰,۰۰۰
اموال، ماشین آلات و تجهیزات	-۰,۰۵۲	۰,۰۰۲	-۲۱,۱۱۹	۰,۰۰۰
نسبت درآمد عملیاتی	-۰,۰۰۶	۰,۰۰۱	-۴,۶۹۱	۰,۰۰۰

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-۰,۱۲۵	۰,۰۲۲	-۵,۶۵۳	۰,۰۰۰
اتورگرسیو مرتبه اول	-۰,۰۰۶	۰,۰۰۴	-۰,۱۵۱	۰,۸۷۹
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۸۳۹			
آماره فیشر - سطح معناداری آن	۲۰,۷۶۰		۰,۰۰۰	
دوربین واتسون	۲,۳۲۳			

باتوجه به اینکه متغیر توانایی مدیریت دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است؛ از این رو می‌توان گفت که توانایی مدیریت بر ریسک مالیات تأثیر مستقیم و معناداری دارد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۸۳ درصد است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۸۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۱,۵ و ۲,۵ است و نشان از برازش نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است.

فرضیه ی دوم پژوهش: توانایی مدیریت بر اجتناب از مالیات تأثیر معناداری دارد.

جدول ۴: رگرسیون مدل فرضیه ی دوم پژوهش

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
توانایی مدیریت	۰,۰۹۹	۰,۰۲۸	۳,۴۴۶	۰,۰۰۶
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام	-۰,۰۴۶	۰,۰۱۱	-۴,۰۹۰	۰,۰۰۰
وجه نقد	-۰,۰۰۴	۰,۰۱۶	-۰,۲۷۹	۰,۷۸۰
نسبت بدهی	-۰,۱۲۵	۰,۰۳۰	-۴,۰۷۱	۰,۰۰۱
نسبت سود هر سهم	-۰,۱۶۹	۰,۰۴۷	-۳,۵۸۰	۰,۰۰۴
سال تأسیس	۰,۴۷۹	۰,۰۷۷	۶,۱۹۷	۰,۰۰۰
لگاریتم دارایی‌ها	۰,۰۳۵	۰,۰۰۳	۹,۰۳۶	۰,۰۰۰
جریان نقد عملیاتی	-۰,۰۱۲	۰,۰۰۵	-۲,۰۶۵	۰,۰۳۹
اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات	-۰,۱۳۲	۰,۰۱۷	-۷,۵۸۸	۰,۰۰۰
نسبت درآمد عملیاتی	۰,۰۱۳	۰,۰۰۴	۲,۹۳۷	۰,۰۰۳
عرض از مبدأ	-۱,۴۴۵	۰,۱۷۱	-۸,۴۲۱	۰,۰۰۰
اتورگرسیو مرتبه اول	-۰,۰۱۷	۰,۰۱۰	-۱,۷۸۶	۰,۰۷۴
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰,۸۷۸		
آماره فیشر - سطح معناداری آن		۱۴۸,۹۱۰		
دوربین واتسون		۲,۲۶۷		

باتوجه به اینکه متغیر توانایی مدیریت دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است؛ از این رو می توان گفت که توانایی مدیریت بر اجتناب از مالیات تأثیر مستقیم و معناداری دارد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۸۷ درصد است که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۸۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۱٫۵ و ۲٫۵ است و نشان از برازش نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است.

نتیجه گیری

در فرضیه اول این نتیجه حاصل شد که توانایی مدیریت باعث افزایش ریسک مالیاتی می شود. در تفسیر این نتیجه می توان گفت که:

ریسک مالیاتی به عنوان بزرگی و احتمال نتایج غیرمنتظره از موقعیت های مالیاتی نامشخص که احتمالاً بر شرکت ها تأثیر می گذارد، تعریف می شود. ریسک مالیاتی، ممکن است به دلیل فعالیت های برنامه ریزی مالیاتی انجام شده توسط شرکت رخ دهد. همان طور که توسط نظریه رده های بالا توضیح داده شده، ارزش ها، تجربه ها و شخصیت های مدیران به طور قابل ملاحظه ای بر تجزیه و تحلیل آنها از شرایط و انتخاب استراتژی های آنها تأثیر می گذارد. فی و هادلاک^۶ (۲۰۰۳) بیان می کنند که مدیران به عنوان بازیگرانی در نظر گرفته می شوند که بیشترین تأثیر را بر نتایج شرکت خود دارند. استراتژی های برنامه ریزی مالیاتی مدیران، چندین پیامد مالیاتی مانند اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی ایجاد می کند (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶؛ پارک و همکاران، ۲۰۱۶).

به طور کلی، توانایی مدیریت در یک شرکت می تواند به افزایش ریسک مالیاتی در شرکت منجر شود به دلیل عوامل زیر:

۱. انتخاب استراتژی های مالیاتی: مدیران مالی و مالیاتی شرکت ها مسئول انتخاب استراتژی های مالیاتی هستند که به منظور کاهش مالیات ها و بهینه سازی ساختار مالی شرکت انجام می دهند. این استراتژی ها ممکن است شامل استفاده از حفاظت های مالیاتی قانونی، سرمایه گذاری در مناطق با ریسک مالیاتی پایین، یا استفاده از شرکت های فرعی در کشورهای با مالیات پایین باشد. این تصمیمات ممکن است ریسک مالیاتی شرکت را افزایش دهند.

۲. پیچیدگی ساختار مالی: مدیران مالی ممکن است برای بهینه سازی ساختار مالی شرکت از ابزارهای پیچیده و ساختارهای سرمایه گذاری پیچیده استفاده کنند که ممکن است منجر به افزایش ریسک مالیاتی شود. برای مثال، استفاده از بدهی های بلندمدت، ساختارهای سرمایه گذاری جدید یا ترکیب های پیچیده از منابع مالی.

۳. نقض قوانین و مقررات مالیاتی: در برخی موارد، تصمیمات نادرست یا نقض قوانین و مقررات مالیاتی توسط مدیران شرکت ممکن است به افزایش ریسک مالیات منجر شود. این امر ممکن است به دلیل عدم آگاهی کافی یا تصمیمات نادرست در زمینه برنامه ریزی و اجرای استراتژی های مالیاتی باشد.

بنابراین، توانایی مدیران در انتخاب استراتژی های مالیاتی، پیچیدگی ساختار مالی و رعایت قوانین و مقررات مالیاتی تأثیر بسزایی بر ریسک مالیات شرکت خواهد داشت.

مقایسه نتایج: نتایج فرضیه اول در تضاد با یافته های سراگی و همکاران در سال ۲۰۲۳ است. ایشن دریافتند که رابطه معکوس و معناداری بین توانایی مدیران و ریسک مالیاتی وجود دارد. در کشور ایران پژوهشی در این حوزه انجام نشده است از این رو مقایسه نتایج امکان پذیر نیست.

نتایج فرضیه دوم

در فرضیه دوم این نتیجه حاصل شد که با افزایش توانایی مدیریت، اجتناب مالیاتی بلندمدت افزایش پیدا می‌کند. در تفسیر این نتیجه می‌توان گفت که:

با افزایش توانایی مدیریت، می‌توان انتظار داشت که افراد مسئول در یک سازمان بهترین راهکارها و استراتژی‌های ممکن را برای بهینه‌سازی ساختار مالی شرکت و کاهش مالیات‌ها انتخاب کنند. این ممکن است شامل بهره‌مندی از تخصص‌ها، دانش در زمینه مالی و حساسیت به تغییرات قوانین مالیاتی باشد. باتوجه به این نتیجه، می‌توان نتیجه گرفت که اجتناب مالیاتی بلندمدت به‌عنوان یک استراتژی مالی، به‌خصوص زمانی که به‌طور هوشمندانه تدارک دیده شود، می‌تواند منجر به بهبود عملکرد مالی شرکت شود. این امر می‌تواند تأثیر مثبتی بر سودآوری، نقدینگی، و ارزش سهام شرکت داشته باشد. به‌عبارت دیگر، مدیریت کسب‌وکار با ایجاد استراتژی‌های موفق در حوزه مالی و مالیاتی می‌تواند به تحقق اهداف مالی بلندمدت شرکت کمک کند.

کاستر و همکاران در سال ۲۰۱۶ بیان می‌کنند به سه دلیل مدیرانی که توانایی بالایی در مدیریت کارآمد منابع دارند، بیشتر از سایر مدیران درگیر موضوع اجتناب از مالیات می‌شوند. اول اینکه مدیران توانا بهتر می‌توانند تصمیمات تجاری خود را با استراتژی‌های مالیاتی منطبق سازند و به‌راحتی می‌توانند باتوجه به درک بالایی که از محیط عملیاتی شرکت دارند از فرصت‌های ایجاد شده برای برنامه‌ریزی مالیاتی در جهت بالابردن بازدهی شرکت استفاده کنند. به‌عنوان مثال زمان‌بندی طبقه‌بندی و مکان‌یابی فعالیت‌های تحقیق و توسعه که دارای پیامدهای مهمی برای به‌دست آوردن مزایای مالیاتی هستند. دوم اینکه مدیران توانا می‌توانند بازدهی شرکت را از طریق به‌حداقل رساندن هزینه‌ها انجام دهند. اگرچه انگیزه کاهش هزینه‌ها در همه مدیران وجود دارد؛ ولی کاهش برخی از هزینه‌ها مثل هزینه‌های تولید، دستمزد، بازاریابی و... می‌تواند عواقب نامطلوب در عملیات شرکت داشته باشد؛ بنابراین مدیران با توانایی بالا برای مدیریت منابع شرکت، توانایی بیشتری برای کاهش هزینه‌ها دارند به‌عنوان مثال حذف هزینه‌های بازاریابی می‌تواند باعث کاهش میزان فروش شرکت شود و همچنین کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه می‌تواند باعث کاهش نوآوری شود؛ بنابراین مدیران با توانایی بالا در مدیریت کارآمد منابع شرکت، هزینه‌ها را از طریق اجتناب از مالیات کاهش می‌دهند. سوم اینکه مدیرانی که به دنبال مدیریت مؤثر منابع شرکت هستند تصمیمات تجاری خود را به‌گونه‌ای اتخاذ می‌کنند که باعث کاهش وجوه پرداختی بابت مالیات شود چرا که می‌توانند از این مبالغ صرفه‌جویی شده در عملیات با پتانسیل شرکت استفاده کنند و با این مبالغ سرمایه‌گذاری‌های مناسب انجام دهند هدایت منابع شرکت به سمت فعالیت‌های عملیاتی پر بازده انتظاری است که از مدیران با توانایی بالا می‌رود (کاستر و همکاران، ۲۰۱۶).

مقایسه نتایج: نتایج فرضیه دوم در تطابق با یافته‌های سراگی و همکاران در سال ۲۰۲۳ است. در کشور ایران پژوهشی در ارتباط با اجتناب مالیاتی بلند مدت انجام نشده است. ولی پژوهش تمدنی نژاد و همکاران در سال ۱۳۹۹، آقای و همکاران در سال ۱۳۹۷ و حسنی و شعری در سال ۱۳۹۶ به این نتیجه رسیدند که با افزایش توانایی مدیریت، اجتناب مالیاتی نیز افزایش پیدا می‌کند.

پیشنهادهای حاصل از یافته‌های پژوهش

در خصوص نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

در حوزه پژوهشی به محققان آتی پیشنهاد می‌شود که در موضوعات زیر به پژوهش بپردازند.

- ✓ در پژوهش حاضر اکثر صنایع تولیدی به‌طور یکجا بررسی شد، پیشنهاد می‌شود که موضوع پژوهش حاضر به تفکیک صنایع بررسی شود و نتایج در سطح هر صنعت مشخص گردد.
- ✓ در پژوهش حاضر از الگوی حداقل مربعات معمولی برای برازش مدل استفاده شده، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی از الگوی گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده کنند؛ چراکه تفاضل مرتبه اول متغیر وابسته در این مدل در نظر گرفته می‌شود و این مدل از هرگونه خودهمبستگی سریالی به‌دور است.

منابع

- آقای، محمدعلی، حسنی، حسن، & باقری، حسن. (۱۳۹۷). نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۵(۵۷)، ۲۴-۴۷.
- بوزنجانی، برزو فرهی. (۱۳۸۴). معرفی الگوی توسعه توانایی های مدیریتی مورد نیاز مدیران (نظام اداری کشور). فصلنامه دانش مدیریت (منتشر نمی شود)، ۱۸(۱)، -.
- یادگاری س.، قرشی ص.، & رجایی زاده هرندی ا. (۱۴۰۲). تأثیر کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین توانایی مدیریت و کارایی سرمایه گذاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۷(۲۴)، ۴۳-۶۰.
- یوسف زاده، سارا، بیطاری، جلیل، & حسین بدیعی. (۱۴۰۱). بررسی اثرگذاری توانایی مدیریت بر رابطه بین عدم اطمینان محیطی و اجتناب مالیاتی. حسابداری مدیریت، ۱۵(۵۴)، ۱۴۷-۱۶۲.
- Ariff, A., Wan Ismail, W.A., Kamarudin, K.A. and Mohd Suffian, M.T. (2023), "Financial distress and tax avoidance: the moderating effect of the COVID-19 pandemic", Asian Journal of Accounting Research, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/AJAR-10-2022-0347>
- Huang, H. and Zhang, W. (2020), "Financial expertise and corporate tax avoidance", Asia-Pacific Journal of Accounting and Economics. Routledge, Vol. 27 No. 3, pp. 312-326, doi: 10.1080/16081625.2019.1566008.
- Kobbi-Fakhfakh, S. and Bougacha, F. (2023), "The impact of the COVID-19 pandemic on corporate tax avoidance: evidence from S&P 500 firms", Journal of Financial Reporting and Accounting, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JFRA-06-2022-0216>
- Koester, A., Shevlin, T. and Wangerin, D. (2016), "The role of managerial ability in corporate tax avoidance", Management Science, Vol. 63 No. 10, pp. 3285-3310, doi: 10.1287/mnsc.2016.2510.
- Saragih, A.H. and Ali, S. (2021), "Corporate tax risk: a literature review and future research directions", Management Review Quarterly, doi: 10.1007/s11301-021-00251-8.

Investigating the Relationship between Risk Management Ability and Tax Avoidance

Abstract

The main purpose of this research is to investigate the relationship between risk management ability and tax avoidance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. The statistical population of the current research is the banks and financial and credit institutions accepted in the Tehran Stock Exchange, which were active during the period of 2015 to 2023. The statistical sample is based on the screened criteria of 180 companies. Based on the nature and objectives of the research, this research is of the type of applied research. To test the hypotheses, the multivariate regression model and Eviews software version 13 were used. Then, to test the linear regression, hypothesis testing was done. The results showed that management ability increases tax risk and long-term tax avoidance. Capable managers can better align their business decisions with tax strategies and can easily use the opportunities created for tax planning in order to increase the company's efficiency due to their high understanding of the company's operating environment.

Keywords

Management, Management Ability, Risk, Tax Avoidance
